

متن پرسش

سوال از کتاب جوان و انتخاب بزرگ استاد گرامی سلام علیکم: ۱. در کتاب «جوان و انتخاب بزرگ» برای استدلال اینکه بعد از مرگ من انسان نابود نمی شود به این استدلال کردید که وقتی دست و یا عضوی بریده شود چیزی از من انسان کم نمی شود یا در خواب من انسان هست اما در همه مواردی که مثال زدید مغز انسان کار می کند. اگر مغز نباشد با موقعی که مغز و ذهن هست تفاوت دارد اگر کسی بگوید تا مغز هست ذهن هست و من و تصوراتم هستند اما بعد از مرگ، مغز می میرد پس استدلال ناقص است چون دو مورد با هم فرق دارد و نتیجه از مشابهت آنها نمی تواند مثل هم باشد یعنی اگر مغز مرد مانند وقتی نیست که مغز نمرده است. ۲. استدلال کردید که وقتی دست قطع می شود می بینی که دست قطع می شود پس وقتی می میری می بینی که مریدی. باز هم مثلاً در مورد خواب ما وقتی می خوابیم نمی بینیم که خوابیم یا وقتی بیهوش می شویم نمی بینیم که بیهوش شدیم پس می شود وقتی می میریم هم نبینیم که مریدیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انسان اساساً در خواب، خود را خارج از بدن می یابد و احساس می کند. این آگاهی به خود نشان می دهد که خارج از بدن نیز ما به خود آگاهی داریم. حال چه آن بدن فعالیت فیزیولوژیکی خود را داشته باشد و چه نداشته باشد. موفق باشید